

بررسی موتیف "أرض" در رمان "الحرب فی بر مصر" از یوسف القعيد

سید اسماعیل حسینی اجداد، دانشیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه گیلان
شهرام دلشاد^۱، دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه بوعلی سینا همدان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۰۲

چکیده

"موتیف" یکی از پربسامدترین واژگان نقد ادبی معاصر به تکرار موسیقی وار و نظام‌مند برخی از سازه‌ها از قبیل جمله، عبارت، واژه، اصطلاح در متن اطلاق می‌شود که در شکل‌دهی به محتوا و سبک اثر نقش دارد. در متون روایی با شناخت موتیف می‌توان به درون‌مایه و سبک اثر پی‌برد و همچنین به‌کارگیری موتیف روشی برای ایجاد انسجام و پیوستگی در متن است. پژوهش حاضر در تلاش است موتیف "أرض" (زمین)، جلوه‌ها و کارکردهای آن را در رمان مشهور "الحرب فی بر مصر" از رمان‌نویس مصری "یوسف قعيد" مورد بررسی قرار دهد تا دلالت‌های زیرین آن و کارکرد و نقشی که در رمان ایفا می‌کند را کشف نماید. این پژوهش با اتکاء بر روش توصیفی - تحلیلی در سه محور به بررسی کارکرد موتیف أرض در رمان می‌پردازد. نتیجه نشان می‌دهد قعيد در رمان مزبور این موتیف را به شکلی سازمان‌یافته در تمامی بخش‌های رمان قرار داده و دیدگاه راویان داستان با این موضوع گره خورده است و هر راوی ایده خاص خود را از أرض ارائه می‌دهد که جمعاً باعث شکل‌گیری مفهوم واحدی می‌گردد و آن ارزش حیاتی زمین برای شخصیت‌های رمان است.

کلیدواژه‌ها: موتیف، الأرض، یوسف القعيد، الحرب فی بر مصر، کارکرد

۱- نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: Email: Sh.delshad@ymail.com

پیشگفتار

در رمان معاصر کارکرد موتیف به طرز هنرمندانه‌ای بروز می‌یابد و در آن رمان‌نویس تعمداً برخی سازه‌ها را موسیقی‌وار در متن تکرار می‌کند تا بواسطه آن ساز و کارهای خاصی در متن پیاده کند. چنین کارکردی گرچه در حکایت‌های کهن و یا قصه‌ها اسطوره‌ای و افسانه‌ای ملاحظه می‌گردد اما به‌کارگیری آن در رمان معاصر از سر تعمد و به قصد ایفای برخی از کارکردها است حال آن‌که قصه‌پرداز قدیم از سر ذوق و عادت آن را به کار می‌گیرد. این سازه‌ها از سازه‌های مهم مرتبط با حادثه، سبک یا درون مایه داستان است و از سازه‌های فرعی و یا کم اهمیت داستان به شمار نمی‌آید. البته میزان اهمیت این سازه‌ها بستگی به سبک و نوع اثر دارد. مثلاً در آثار فمینیسم موتیف زن، عشق اهمیت فراوانی دارد. و یا اینکه ممکن است در ادبیات پوچی موتیف‌هایی نظیر ظلمت، شکست و نظائر آن اهمیت داشته باشد. در ادبیات رئالیسم موتیف‌هایی نظیر زمین، کار، نان، از اهمیت زیادی بهره‌مند است. در این خصوص رمان‌نویس باید سعی کند موتیف‌هایی متناسب با سبک و رویکرد داستان‌نویسی خود انتخاب کند در غیر این صورت منطق داستان درهم می‌ریزد. به عنوان مثال اگر رمان ادبیات پوچی بر موتیف نان تکیه کند و یا اگر رمان مدرن غرق در بیان و تفسیر شفق خورشید در غروبی زیبا کند- آن‌گونه که رمانتیسیم‌ها به کار می‌برند- ناهمگونی میان موتیف‌های بکارگرفته شده و سبک داستان ایجاد می‌شود. البته ارتباط موتیف با سبک دوجانبه است؛ همان‌گونه که نوع سبک در تعیین موتیف مهم است، نوع موتیف نیز در شناخت سبک داستان مهم است.

آنچه در این پژوهش اهمیت دارد بررسی موتیف ارض (زمین) در رمان "الحرب فی بر مصر" است. این رمان از رمان‌های برجسته یوسف قعید است که با استفاده از چندین راوی سرگذشت شخصیتی به نام مصری، پسر پاسبان، در آن روایت می‌گردد. هرکدام از راویان در داستان بخشی از رویداد زندگی مصری را بازگو کرده و به خود مصری فرصتی برای بیان سرگذشت خود، داده نمی‌شود. در این رمان ارض به شکل

موتیف‌وار تکرار می‌گردد و در کنار دیگر جنبه‌های هنری داستان کارکردی هنری در داستان دارد و از جنبه‌های فنی این رمان زیبا به شمار می‌آید.

سوال پژوهش

این مقاله تلاش می‌کند تا با بررسی جلوه‌های این موتیف در رمان، کارکردهای آن را کشف و بررسی کرده تا جوابی برای سوال زیر بیابد:

جلوه‌های موتیف أرض در رمان چگونه است؟

موتیف أرض (زمین) در رمان الحرب چه کارکردهایی را القاء می‌کند؟

پیشینه‌ی تحقیق

درباره رمان "الحرب فی بر مصر" پژوهش‌های معدودی صورت گرفته است، و این قلیل پژوهش‌ها در کشورهای عربی صورت گرفته و در ایران تاکنون پژوهشی از آن صورت نگرفته است. از جمله این بررسی‌ها: مقاله (۲۰۱۳)؛ "المیتاقص، تجریداً روائیاً، قراءة فی أعمال الروائي المصري يوسف القعيد: الحرب فی بر مصر، يحدث فی مصر الآن، وثلاثية شكاوي مصري النصيح". نگاشته شده توسط سمیة الشوابكة. این مقاله به قضیه میتا روایت در رمان‌های مزبور قعید می‌پردازد و قضایایی نظیر چند صدایی، مؤلف ضمنی و زمان پریشی و خیال را مورد بررسی قرار داده است. همچنین مقاله (۱۹۸۴)، "یوسف القعید والروایة المجدیة"، از فدوی مالطی دوجلاس. این مقاله که در مجله فصول نشر یافته است به ویژگی‌های پسامدرنی رمان‌های قعید می‌پردازد که رمان الحرب نیز یکی از آنهاست. در مجموع درباره موتیف در شعر و نثر معاصر عربی پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است از جمله آنها مقاله (۱۳۹۴)، "موتیف نهر در اشعار بدر شاکر سیاب"؛ از صلاح‌الدین عبدی و نسرین عباسی. این مقاله که در مجله نقد ادب معاصر عربی یزد انتشار یافته است به تجلی‌ها متعدد رود پرداخته است.

مقاله حاضر تنها به موتیف "أرض" در رمان "الحرب" می‌پردازد و کارکردهای مختلف آن را مورد بررسی قرار می‌دهد و از این حیث پژوهشی نو قلمداد می‌گردد.

سخنی درباره موتیف

در یک اثر برخی از سازه‌ها از برجستگی قابل ملاحظه‌ای برخوردارند، این برجستگی با تکرار نظام‌مند خود در اثر تشکیل یک موتیف می‌دهد که برای شناخت اندیشه متن و سبک آن و همچنین شناخت سبک و اندیشه پدیدآورنده متن مؤثر است. همچنین تأثیر بسزایی در انسجام و یکپارچگی اثر ادبی دارد.

این واژه پرسامد نقدی که امروزه تعریف دقیقی از آن ارائه نمی‌گردد و دلیل عمده آن همسان‌انگاری و خلط معنایی است که با واژگان دیگر نظیر بن‌مایه و مضمون و موضوع پیدا می‌کند در حالی که موتیف با آنها فرق جدی دارد. موتیف یعنی اینکه «ایماژ، واژه، عبارت، جمله، کنش یا صحنه‌ای که در یک اثر ادبی معین با مجموعه‌ای از آثار ادبی به نحوی دلالت‌آفرین و پیاپی تکرار شود. این اصطلاح از موسیقی به ادبیات راه یافته است و در موسیقی برای اشاره به ملودی‌ای به کار می‌رود که در یک قطعه تکرار می‌شود» (پاینده، ۱۳۹۴: ۳۷۳). بدین سان موتیف را می‌توان ابزار شناخت درون مایه دانست نه به معنای خود درون مایه. موتیف می‌تواند کارکردهای مختلفی داشته باشد از قبیل کارکرد سبکی، درون مایه‌ای، زیباشناختی، ساختاری و غیره که یکی از آنها کشف و بررسی درون مایه است زیرا بکارگیری متکرر یک سازه در متن مسلماً در پی القاء اندیشه خاصی از ناحیه نویسنده به مخاطب است.

ریشه واژگانی موتیف را فعل لاتین (movere) و اسم (Motivus) در قرون وسطا می‌دانند، که هر دو به حرکت کردن و یا حرکت دادن به سمت جلو و اصرار، انگیزتن و به فعالیت واداشتن اشاره دارد» (آکسفورد، ۱۹۷۸: ۶۹۸). زیتونی در تعریف این اصطلاح بیان می‌دارد: «هر عنصری از عناصر اثر ادبی که بتوان صرف نظر از کارکردی که دارد، آن را جدا تصور کرد. موتیف یک کلمه و یا یک جمله یا حالت و یا تصویر یا فکری است که در اثر ادبی تکرار می‌شود و نقش خاصی را ایفا می‌کند» (زیتونی، ۲۰۰۲: ۶۹). در مجموع بکارگیری موتیف یکی از شگردها و تکنیک‌های پرسامد رمان‌های معاصر می‌باشد که نویسنده آن را به شکل‌های مختلفی در رمان بکار می‌گیرد.

گفتاری پیرامون رمان "الحرب فی بر مصر"

این رمان یکی از برجسته‌ترین رمان‌های عربی است که "اتحاد الکتاب العرب" آن را در ردیف چهارمین رمان در فهرست صد رمان برتر و مطرح جهان عرب قرار داده است. رویدادهای این رمان در زمان جنگ ۱۹۷۳ مصر در جریان است. قعيد در این رمان به گونه‌ای جذاب و از زاویه‌ای متفاوت به این جنگ می‌پردازد و داستانی گیرا و خواندنی پدید می‌آورد. در این رمان سرگذشت فردی به نام مصری روایت می‌گردد که به جای فرزند کدخدا محله به جنگ می‌رود و در نبرد شهید می‌گردد. از آنجایی که هویت و شناسنامه مصری پسر پاسبان فقیر به اسم پسر کدخدا تغییر یافته است، کدخدا به جای پاسبان از حقوق و امتیازات مادی و معنوی شهید بهره‌مند می‌گردد، و پاسبان، پدر حقیقی شهید، از مزایا شهید بهره‌ای نمی‌برد.

این رمان توسط شش راوی به ترتیب: عمده (کدخدا یا شیخ محله)، متعهد، خفیر (پاسبان)، صدیق، ضابط، محقق، روایت می‌گردد و هرکدام زاویه خاصی از زندگی مصری و رویدادهای او را روایت می‌کنند. در این داستان اسم حقیقی شخصیت‌ها به جز مصری که آن هم اسمی دلالت‌مند است گفته نمی‌شود. و همه آنها با صفات شغلی خود شناخته می‌شوند. این رمان به شکلی نو و پسانو نگاشته شده است. تکنیک چند راوی به گونه‌ای نیست که هرکدام از راویان بنابر دیدگاه خود یک حادثه را مکرراً شرح دهند بلکه هر کدام بخشی از حادثه را با رعایت ترتیب زمانی جلو می‌برند به گونه‌ای که تکراری در بیان حوادث روایت دیده نمی‌شود و قعيد به شکل هنرمندانه و نو و متفاوت از تکنیک چند راوی بهره گرفته است.

جایگاه موتیف زمین در رمان

این رمان را از جهت مضمونی می‌توان نزدیک به جریان ادبیات واقع‌گرا دانست که به بیان مشکلات و رنج‌های خانواده‌ای مصری، می‌پردازد. پیرو این سبک موضوع زمین در رمان از ارزش زیادی برخوردار است. لازم به ذکر است که در رمان‌های رئالیسم برخی موتیف‌ها از اهمیت دوچندانی برخوردار است از این دست موتیف‌ها می‌توان به زمین

اشاره نمود. زمین را می‌توان یکی از موضوعات مهم رمان‌های رئالیسم دانست که در صدر موضوعات آن می‌نشیند و در شکل‌گیری داستان و کنش‌پذیری رویدادهای آن نقش بسزایی دارد. اگر به اولین رمان مدرن عربی یعنی "زینب" نظر کنیم خواهیم دید که این محور در آن بسامد بالایی دارد. حتی رمان نویس‌های عربی به این کارکرد در سطح موضوع و موتیف کفایت نکردند بلکه عبدالرحمن شرقاوی رمانی به نام "الأرض" پدید می‌آورد که نشان از اهمیت حیاتی این موضوع دارد.

قعيد در رمان حاضر زمین را موتیف‌وار بکار گرفته است و حوادث داستان الحرب از اهمیت موضوع زمین به عنوان حیاتی‌ترین موضوع انسان سخن می‌گوید و خود عنوان نیز القاء کننده مکان و زمین است. جنگ در خشکی و کرانه مصر. در این رمان همه چیز بر سر زمین می‌چرخد. شخصیت عمده که زمین‌های زیادی دارد مطابق با جدیدترین آیین‌نامه حکومتی که در آن اصلاح اراضی منحل شده تمامی زمین‌های بازپس گرفته شده را بدست می‌آورد. در توازی با این موضوع، قضیه‌ی دیگری در جریان است و اینکه پسر او به سن سربازی رسیده و باید به خدمت برود. او که سه زن دارد و این آخرین پسر او از آخرین زن اوست برای اینکه عدالت را میان زن‌ها برقرار کند قصد دارد این پسر را از خدمت معاف کند همانطور که برای پسرهای دیگر انجام داده است.

گره داستان هنگامی شکل می‌گیرد که عمده دلیلی برای معافیت این فرزند ندارد؛ او قصد دارد با تحویل مقادیری زمین به پاسبان، او را راضی سازد تا پسرش را غیر قانونی به جای پسر کدخدا به خدمت بفرستد. کدخدا پس از موافقت پاسبان، بنخاطر نیاز ضروری به زمین برای تهیه مایحتاج زندگی، با کمک شخصی به نام متعهد، کارهای اداری را انجام می‌دهد و مصری به جای پسر کدخدا روانه خدمت می‌شود. مصری در جنگ شهید می‌شود تمامی امتیازهای شهید به کدخدا واگذار می‌گردد، زیرا با تحقیقات عمل آمده مصری قانوناً فرزند عمده به شمار می‌آید گرچه حقیقتاً پسر پاسبان است. تنها امتیازی که باید برای پاسبان بماند زمین است که عمده آن را هم از او دریغ می‌دارد.

کارکردهای موتیف أرض در رمان

در این بخش از مقاله به نقش‌هایی موتیف أرض در رمان "الحرب فی بر مصر" پرداخته می‌شود و ضمن بررسی جلوه‌های آن به تحلیل کارکردها این موتیف می‌پردازیم:

کارکرد انسجام بخشی

یکی از کارکردهای موتیف در یک اثر انسجام‌بخشی به اثر است. «موتیف ابزاری است که رمان نویسان می‌توانند به منظور ایجاد وحدت اندام‌وار در ساختار رمان‌هایشان به کار برند» (پاینده، ۱۳۹۴: ۳۷۳). اگر یک موتیف بصورت قاعده‌مند در فصل‌های مختلف رمان تکرار گردد، بخش‌های رمان بر اثر آن به هم متصل و متحد می‌گردند. موتیف معمولاً به واسطه سازوکارهایی از قبیل ایجاد توازی، گره‌افکنی، براعت استهلال، ساختار دورانی، نمادسازی در داستان ایجاد انسجام می‌کند.

در رمان قعید أرض به عنوان رشته وصلی است که حلقه‌های مختلف (فصل‌ها) رمان را به هم متحد می‌کند و زنجیره‌ای به هم‌بافته و منسجم پدید می‌آورد. رمان قعید با موضوع أرض شروع می‌شود در همان آغاز خواننده به اهمیت آن پی‌می‌برد. راوی در آغاز ارزش حیاتی این موضوع را متذکر می‌شود؛ سپس تکرار قاعده‌مند آن در رمان تشکیل موتیف داده و با توجه به کارکردهای یکسانی که در موقع تکرار افاده می‌کند و در کنش‌پذیری شخصیت‌ها و شکل‌گیری پیرنگ مؤثر است، سبب ایجاد هارمونی و نظم میان فصل‌های مختلف رمان می‌گردد.

در صفحه آغازین فصل اول راوی می‌گوید:

«أول يوم يدخل قلبي الفرح وتلمس نفسي السعادة منذ سنوات مضت. كرامتنا عادت إلينا. الأرض التي أخذوها منا سنة أربع و خمسين رجعت» (القعید، ۱۹۹۶: ۷).

«امروز بعد از سال‌های مدیدی که گذشت، اولین روزی است که شادی در قلبم رسوخ می‌کند و وجودم خوشبختی را لمس می‌کند. احترام رفته، به ما بازگشت. زمینی که در سال ۵۴ از ما سلب شده بود دوباره به ما واگذار شد»

شادی، سعادت، کرامت از جمله واژگانی هستند که راوی با استفاده از آنها در پی بازگشت زمین، حالت خود را توصیف می‌کند. مسلماً این قضیه از بس اهمیت دارد که چنین برآیندهای مثبتی را برای شخصیت/راوی به ارمغان آورده است. قعید این اهمیت را گسترش می‌دهد و چیزی را همسان با آن قلمداد نمی‌کند به گونه‌ای که شخصیت (راوی اول/کدخدا) هنگام بازگشت زمین آرزو می‌کند از خوشی همان لحظه جان دهد: «لأن سعادتي بعودة الأرض ما بعدها سعادة أخرى في العالم كله، تمنيتُ أن أموتَ ساعتها» (همان، ۷). «خوشبختی من با واگذاری مجدد زمین به اندازه‌ای است که بسان آن سعادت در دنیا نیست، آرزو داشتم همان لحظه از خوشحالی جان دهم»

راوی در ابتدا با اهتمام به این موتیف ستون اول را می‌نهد و فصل‌های دیگر پژوهش‌هایی از اهمیت این موتیف به شمار می‌آیند که در مجموع این گره با کارکرد همسان خود با موضوع أرض در فصل‌های بعدی گره می‌خورد و در نتیجه این گره‌ها، انسجام برای داستان پدید می‌آید. در فصل اول رمان بسیاری از حوادث فرعی داستان به قضیه بازگشت زمین مربوط می‌گردد. نویسنده به طوری ارزش این موضوع حیاتی را بزرگ انگاشته که در پاره‌ای از اوقات داستان جنبه طنز آمیزی به خود می‌گیرد مانند زمانی که بیان می‌دارد:

«أثناء صلاة الفجر أوشكُ أن أخطئ في تلاوة الفاتحة والتحيات، كان من الصعب عليّ أن أركز في أمر من الأمور» (قعید، ۱۹۹۶: ۹).

«هنگام اقامه نماز صبح چیزی نمانده بود که در قرائت سوره حمد و سلام دچار لغزش و اشتباه شوم؛ بسیار برای من دشوار بود که بر کارهایم متمرکز شوم».

قعید مطابق با تکنیک براعت استهلال و ایجاد تناسب میان بخش‌های آغازین داستان با دیگر بخش‌ها، در فصل اول به ویژه صفحات آغازین آن تلاش زیادی برای نشان دادن اهمیت زمین می‌کند تا پیوند منطقی با حوادث بعدی برقرار گردد. چه بسا اگر این اشارات دلالت‌مند نبود، تسلیم زود هنگام مصری و خفیر در مقابل پیشنهاد دریافت زمین، کاری غیر منطقی جلوه می‌نمود و در نتیجه یکپارچگی متن در معرض گسست قرار می‌گرفت.

تا به اینجا ما با یک موضوع سروکار داریم نه موتیف؛ همچنین در آغاز فصل نمی‌توان درباره کارکرد انسجام‌بخشی این موضوع سخن گفت. چه بسا اهمیت این موضوع در فصل‌های بعدی افول کند و دیگر موتیفی در داستان شکل نگیرد. راوی‌ای که در فصل اول خوشحال و خوشبخت بواسطه بازگشت زمین است در فصل دوم نیز در پی این بازگشت زمین است که سور بزرگی برگزار می‌کند و برای متعهد، راوی دوم رمان، این قضیه برای دستیابی به برخی امتیازات مهم است:

«قلْتُ إنه مادام أرض العمدة عادت إليه، لابدَّ وإن شئتُ ووظيفتي واعتباري في الطريق إليّ، الحكاية مسألة وقت فقط» (القعيد، ۱۹۹۶: ۳۱).

«با خود گفتم، تا زمانی که زمین عمده به او واگذار شد، شرف و کار و اعتبار و زندگی من وابسته به اون شده، مسأله اساسی الان وقت شناسی است.»

در نمونه مزبور راوی بیان می‌دارد که باید ارزش وقت را پاس بدارد و در این هنگام سود بیشتری از "عمده" ببرد. از این رو این موضوع در فصل دوم با همراه شادی و سرروی که اینک برای متعهد به ارمغان می‌آورد، توازی پیدا می‌کند با برآندهایی مشابه‌ای که در فصل اول ایجاد کرد. بنابراین می‌توان گفت که در برخی مواقع موتیف‌ها «با ایجاد قرینه‌سازی نیز می‌توانند بین اشخاص، وقایع و صحنه‌ها ارتباط برقرار کند» (اسلامی، ۱۳۸۶: ۷۶). در اینجا نیز قعيد از سازوکار قرینه‌سازی برای برقراری انسجام توسط موتیف استفاده کرده است و موتیف أرض دستمایه و ابزاری شده برای امتیازات و مقدراری زیادی پول که متعهد در قبال کاری که قرار است برای عمده انجام دهد دریافت کند. در حقیقت اندیشه نفرستادن خدمت سربازی برای پسر کدخدا - که در انزواء قرار گرفته بود - پس از بازگشت به زمین و اعاده قدرت و قوت کدخدا پدید می‌آید. زمین سبب شده تا کدخدا بر ثروت و مکنت زیادی دست یابد و با استفاده از آن جرأت عمل کاری غیر قانونی توسط متعهد (راوی دوم) را داشته باشد که در قبال آن هزینه هنگفت از کدخدا طلب می‌کند. چنان که می‌بینیم موضوع أرض در فصل دوم نه تنها معدوم و نادیده انگاشته نمی‌شود، بلکه همچنان بسامد دارد و با کارکردهای یکسان و متوازی در پی القاء این موضوع حیاتی است.

در فصل بعدی یعنی فصل سوم که راوی دیگری به نام "خفیر" آن را روایت می‌کند تغییری در کارکرد این موتیف نمی‌بینیم و این موتیف با تکرار قاعده‌مندش، این فصل را به فصل‌های پیشین وصل نموده است. زیرا خفیر قرار است در قبال دریافت زمین پسر خود را به جای پسر عمده به خدمت سربازی بفرستد. راوی سوم یعنی خفیر به خاطر این موضوع، رد پیشنهاد عمده را کاری دشوار قلمداد می‌کند:

«جلعث رفض الموضوع ليس أمراً سهلاً كما تصورث، خاصة الأرض» (همان، ۷۶).

«برخلاف تصورم نپذیرفتن پیشنهاد عمده کار بسیار مشکلی بود، به ویژه پیشنهاد واگذاری زمین».

همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد در این فصل نیز زمین، ارزش و اهمیت خود را حفظ نموده و رمانویس تعمداً آن را تکرار نموده است. کدخدا که زمین برای او ارزش حیاتی دارد و برای او والاترین چیز به شمار می‌آید، قصد دارد این را به خفیر واگذار کند تا پسرش به خدمت برود. نویسنده از قرار دادن موضوع دیگری نظیر پول و غیره در این فصل خودداری نموده تا تا ضمن ارتباط و تناسب با ارزشی که رمانویس در آغاز رمان و دیگر بخش‌ها برای زمین متصور شده، تشکیل موتیف بدهد و در نتیجه میان بخش آغازین و سایر بخش‌ها به شیوه براعت استهلال انسجام و تناسب برقرار نماید.

در کل رمان - به ویژه فصل سوم - زمین به عنوان یکی از مهمترین موضوعات مطرح شده در کنار سربازی مصری مطرح می‌گردد و خفیر مردد میان این دو قضیه، زمین را ترجیح داده، تا در ازای أخذ آن، پسرش را به خدمت بفرستند. «اگر چه قضیه مصری در رمان قضیه مرکزی می‌باشد و هر راوی جزئی از زندگی او را روایت کرده است» (شوابکه، ۲۰۱۳: ۶۴۸)، پسری که در درس یگانه است و استعداد و نبوغ بالایی دارد؛ اما زمین آنقدر اهمیت دارد که خفیر ذکاوت و استعداد پسرش را نادیده می‌گیرد زیرا احتیاج و نیاز مبرم او به زمین سبب می‌شود برخلاف میل باطنی خود عمل کند. و رمان نویس تمهیدات چنین تصمیمی که ظاهراً خلاف انتظار است را در بخش آغازین و سایر بخش‌های رمان با اعتلای ارزش رمان و قرار دادن آن به عنوان موتیف با کارکردی حیاتی ایجاد کرده است.

فصل چهارم که دوست مصری در خدمت، آن را روایت می‌کند توسط عناصر مختلفی با دیگر فصل‌ها پیوند می‌خورد که یکی از آنها موتیف زمین است. در این فصل بیشتر حدیث نفس مصری در داستان شنیده می‌شود، شخصیتی که بیان می‌دارد در ازای بقاء ارض که طبق آیین‌نامه جدید حکومتی باید به عمد برگردانده شود به خدمت فرستاده می‌شود:

«أتت حكاية التجنيد وقال العمدة لأبي ابنك مقابل بقاء الأرض معكم، قبل الوالد وفرح البيت كله بهذا الحل أما أنا فقد رفضت الأمر كله بدون مناقشة» (القعيد، ۱۹۹۶: ۹۲).

«ماجرای سربازی را پیش کشید و عمد به پدرم گفت که پسر را در مقابل ابقای زمین به سربازی بفرست. پدر پذیرفت. اهالی خانه خرسند شدند اما من این موضوع را بدون هیچ‌گونه مناقشه و گفتگویی نپذیرفتم».

در این نمونه که کاملاً مؤید ارزشی است که رمان برای زمین قائل شده است، مناقشه مصری اندکی از این اهمیت موضوع کاسته است، اما این مناقشه به سرانجام نمی‌رسد زیرا حلی غیر از این برای مسأله حاضر وجود ندارد:

«قالت لي نظرات أهلي أن رفضي سببه أنه مطلوب مني القيام بالتضحية. ولماذا أسمىها تضحية، كان المطلوب حلاً» (همان، ۹۲).

«نگاه‌های خانواده‌ام به من می‌گفت که بهترین روش آن است که من خودم را قربانی آنها کنم، چرا اسمش را بگذارم قربانی بلکه من حلال مشکل بشوم».

موتیف ارض در فصل پنجم و ششم نزد راویان رمان مشاهده می‌شود و آنها بر اهمیت این موضوع صحنه می‌گذارند و عمل مصری را در ازای آن کاری ممکن و محتمل دانسته تا جایی که ارزش زمین را بیشتر دانسته و خفیر را به گونه‌ای مقصر قلمداد کنند. نگاه این دو راوی (ضابط و محقق) به ارض نگاهی تحقیقاتی است. آنها به این نتیجه می‌رسند که خفیر در ازای دریافت مقادیری زمین فرزند خود را به جای پسر کدخدا روانه خدمت نموده است، از این رو این قضیه هم به عنوان یک معامله که هر دو طرف در آن سود برده‌اند انجام گرفته و نمی‌توان یکی از طرفین را مقصر دانست:

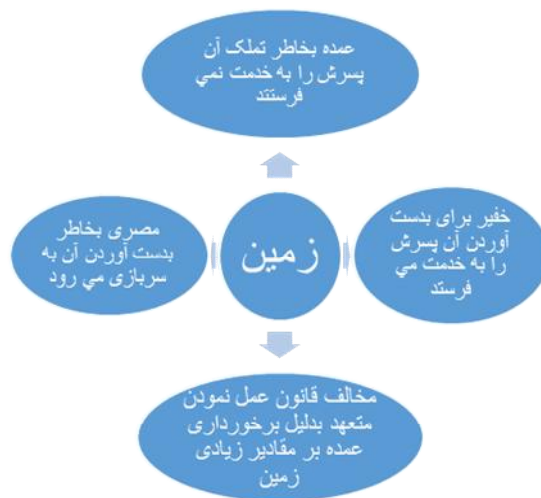
«العمدة ترك هذا الأرض نظير الخدمة التي تطوع ابن الخفير وطلب القيام بها، دون أن يطلب أحد منه ذلك، ثم أن ابن الخفير كانت أمنية عمره أن يذهب إلى الجهادية» (القعيد، ۱۹۹۶: ۱۴۲).

«عمده این زمین را در مقابل انجام خدمت سربازی که پسر پاسبان به آن گردن نهاد به آنها واگذار نموده است. سپس پسر پاسبان به سربازی فرستاده شد».

در اینجا یکسان انگاری حیات و زندگی مصری به عنوان یک انسان در برابر زمین و أخذ آن توسط خفیر و عادلانه دانستن چنین معامله ای نشانی دیگر از ارزش والای آن در رمان است. رمان در این جا نیز با ارجاع درون متنی یک بار دیگر موتیف أرض را تداعی می کند و نگره پیشین را درباره أرض تقویت می گرداند.

بعد از بازخوانی که از موضوع أرض در فصول شش گانه رمان به عمل آمد نامیدن این موضوع به موتیف ممکن و قابل بررسی است و همانطور که دیدیم این موتیف توانست سبب یکپارچگی و ارتباط فصل های ششگانه رمان گردد. عمده در فصل اول بواسطه زمین ثروتمند می گردد. متعهد بخاطر این ثروت و املاک عمده کاری غیر قانونی انجام می دهد تا از او مزدی کلان بستاند. خفیر بخاطر این موضوع پسر خود را به اکره به جای پسر عمده به خدمت می فرستند تا بتواند در زمین گسترده ای کار کند و مقداری زمین بدست بیاورد. راوی چهارم که حدیث نفس مصری در آن تبلور می یابد بیانگر این مطلب است که او خود را قربانی خانواده نموده تا آنها به مستغلاتی دست یابند. راوی پنجم و ششم که کارمند و بازرس مربوط به قضیه مصری هستند اشاراتی به این موضوع دارند و به تحلیل این قضیه می پردازند و مدام ارزش زمین را گوشزد می کنند.

بنابراین این موتیف توانسته است ساختاری دورانی و دایره ای در رمان پدید آورد که در پی آن همه اجزای رمان به یک نکته ختم می گردد و آن أرض است. اگر بخواهیم حوادث داستان را به مثابه زنجیری به هم بافته در کنار هم قرار دهیم، خواهیم دید که موضوع زمین در آن کارکرد متصل کننده ای بین رویدادهای اصلی داستان دارد و منشأ شکل گیری بسیاری از آنها نیز زمین بوده است:



با توجه به نمودار حاضر می توان دریافت که موضوع زمین حلقه وصل حوادث کلیدی داستان است. کما اینکه در حوادث جزئی داستان نیز دخالت داشته است و همانند یک موتیف در تمامی اجزاء داستان سرایت کرده و نقش آفرینی می کند. موتیف "أرض" در رمان "الحرب فی بر مصر" کارکرد انسجام بخشی را افاده می کند و عامل وحدت و انسجام میان فصول شش گانه رمان است. از این رو «موتیف کمک می کند تا نویسنده به طرزی لطیف و بدون استفاده از شرح و توضیح و توصیف زیاد از حد، اثر را انسجام بخشد» (دهقان، ۱۳۸۸: ۱۰۸). اگر این موتیف را نادیده بگیریم و هر فصلی برای خود بر سر موضوعاتی مختلف جریان داشت و یک موضوع به شکل هنرمندانه در تمامی فصل ها تکرار نمی گشت دیگر ارتباط میان این بخش ها برقرار نمی گردید و قابل گسست و انفصال می نمود. از این رو همان گونه که عناصری نظیر زمان یا حادثه جهت پیوند میان فصول و بخش های مختلف یک رمان به کار می آیند موتیف نیز نقشی کمتر از این عناصر در پیوند بخشی ندارد.

ایفای سبک رئالیسم

تکرار نشان دار یک سازه در متن نقش مهمی در تعریف و شناسایی سبک نویسنده دارد. به عنوان مثال تکرار موتیف گونه واژه شمشیر در یک اثر سبک حماسی به آن اثر

می‌بخشد کما اینکه موتیف طبیعت در شکل‌گیری سبک رمانتیسیم در اثر دخیل است. بنابراین می‌توانیم بگوییم که شناخت موتیف‌های یک اثر راهی برای شناخت سبک آن اثر و نویسنده آن است. رمان "الحرب فی بر مصر" از "یوسف القعید" رمانی پسامدرن (الروایة الجديدة) با ویژگی‌ها و ساختار سبکی خاص این نوع روایی از قبیل شکل جدید و غیر خطی بودن روایت و عدم پایبندی به عناصر مشخص از قبیل مکان و زمان است اما موتیف زمین در این رمان آن را از جهت مضمونی به رمان‌های رئالیسم نزدیک می‌سازد گرچه از جهت ساختار با عمده رمان‌های رئالیسم متفاوت است. «القعید از طلایه‌داران سبک رئالیسم در میان داستان‌نویسان است. وی برخی از داستان‌هایش را برای بیان اوضاع اجتماعی و سیاسی و اقتصادی جامعه خود به رشته تحریر درآورده و با تکیه بر مکتب واقع‌گرایی اسلوبی جدید و مضامینی نو را به تصویر کشیده‌است» (گندمی، ۱۳۹۳: ۳).

این دوگانگی میان مضمون و سبک رمان حاضر گرچه ممکن است نخست به عنوان یکی از ضعف‌های رمان بروز پیدا کند، اما می‌توان گفت که مضامین ادبیات واقع‌گرا در تمامی سبک‌ها و ساختارهای ادوار رمان‌نویسی حضور برجسته‌ای دارد و بکارگیری آن در یک رمان مدرن آنگونه که قعید انجام داده است نشانه ضعف و رویکرد پارادوکسی رمان‌نویس نیست؛ هر رمان‌نویسی ممکن است با استفاده از ساختار خاصی به پردازش مضمون رئالیسم بپردازد. همچنین باید متذکر شد که نامیدن رمان پسامدرن بیشتر با توجه به ویژگی ساختاری آن است در حالی که رویکرد رئالیسم بیشتر با توجه به خصائص مضمونی اطلاق می‌گردد و اندیشه‌های مهم به عنوان ایده‌های تکرارپذیر در تمامی ادوار رمان‌نویسی حضور دارد گرچه در برخی از ادوار حضور برجسته‌ای دارد. یوسف قعید در زمان افول سبک رئالیسم رمان خود را نگاشت در حالی که مضامین و سوژه‌های رئالیسم از قبیل فقر و تبعیض و فاصله طبقاتی همچنان ادامه داشت؛ از این رو او با اتخاذ موتیف زمین از موتیف‌های برجسته رئالیسم در شکلی جدید و نو و با اسلوبی جذاب رمان معروفش را نگاشت تا شاید با این سبک جدید و مخاطب‌پسند مخاطبین را متوجه این ایده مرکزی رمان بکند تا از اهمیت آن غافل نشوند. مخاطبینی

که از ساختار خطی و تکراری رمان‌های رئالیستی به ستوه آمده‌اند.^۱ موتیف أرض زمانی جنبه رئالیسم به خود می‌گیرد و کارکرد سبکی القا می‌کند که صاحب قدرتی آن را از ستم دیده و مظلومی دریغ‌بدار کما اینکه در نمونه زیر مشاهده می‌گردد:

«في البلد عرفْتُ أن العمدة، بعد ذهباي إلى الجيش ماطل ولم يعط والدي الأرض. أخذ الأرض منه أولاً بحكم القانون الجديد، ثم سلمه قطعة منها زرعها بنظام المزارعة أو المشاركة ورفض حتى كتابة ورقة بهذا الوضع الظالم على طول الخط» (القعيد، ۱۹۹۶: ۹۵).

«در سرزمین دانستم که عمده بعد از رفتنم به وعده اش عمل نکرد و زمین را به پدرم نداد، ابتدا زمین را پیرو قانون جدید از ما گرفت، سپس قطعه از آن را به عنوان مناصف کاری به واگذار کرد اما هرگز آن را در اختیار ما قرار نداد و از نوشتن خطی مبنی بر تقدیم آن به ما خودداری نمود»

با توجه به بند روایی مزبور مشخص می‌شود که کدخدا محله برخلاف وعده‌ای که به پاسبان، پدر مصری داده- مبنی بر اینکه مقدار قابل ملاحظه‌ای زمین به او واگذار می‌کند در صورتی که مصری به جای پسر کدخدا به سربازی برود- عمل ننموده است. در حقیقت سلب زمین و عدم واگذاری به او علی‌رغم عهده‌ای که با او بسته، نوعی ترحم و دلسوزی در مخاطب نسبت به پدر مصری ایجاد می‌کند و احساسی که به خواننده دست می‌دهد مطابق با احساسی است که خواننده رمان رئالیسم دارد که با مطالعه آلام و رنج‌های انسان‌های طبقه پایین در این‌گونه آثار بدست می‌آورد. احساس عدالت‌خواهی و دادخواهی و احقاق حقوق مظلومان زمینه بکارگیری این موتیف است و در نتیجه چنین درک و احساس و رویکردی، رمان جنبه واقع‌گرا به خود می‌گیرد. رمان نویس این سبک را با استفاده از موتیف أرض در رمان پدید آورده است. همچنان که همین موتیف در یک اثری دیگر ممکن است القاء‌کننده سبکی حماسی و پایداری باشد، هنگامی که سخن از دفاع از زمین و حفظ آن در مقابل دشمنان باشد. همچنین در جای دیگری از رمان زمانی که عده زیادی از کشاورزان نزد محقق می‌آیند و از کدخدا گلایه آغاز می‌کنند موتیف أرض به شکلی دیگر سبک رئالیسم را القاء می‌کند:

«حضر إلى عدد كبير من فلاحي البلد. شكوا لي من مظالم العمدة التي لا تنتهي» (قعيد، ۱۹۹۶:

«جمع کثیری از کشاورزان ناحیه حاضر شدند و از مظالم و ستم‌ها پایان ناپذیر عمده گلایه کردند»

کشاورزان در حقیقت پس از واگذاری زمین‌های کشاورزی به کدخدا از وضعیت خود راضی نیستند و زبان به گلایه از او آغاز می‌کنند. این دسته از مردم وابسته به نان و زمین‌اند و سیطره فردی ضحاک منش به مثابه عمده باعث رنج و آزار آنها شده است. حال آنکه در این رمان به مثابه بسیاری از رمانهای رئالیسم خبریث از ظهور پهلوان و ناجی فریدوان وارد نیست و داستان با سرنوشتی تراژدی یک خاتمه می‌یابد.

شناخت درون مایه

موتیف از جهات زیادی با درون‌مایه یا اندیشه اثر هم‌معنا و توازی دارد اما موتیف در ادب به «معنای فکر اصلی و موضوعی که در کارکرد ادبی تکرار می‌گردد» (طه، ۲۰۰۰م، ۲۰۸؛ عبدی، ۱۳۹۴: ۷۸). بنابراین موتیف از اندیشه کلی‌تر است و می‌توان آن را هم در بربگیرد و همچنین بیشتر به معنا تکرار نظام‌مند سازه‌ای در متن است و آن سازه ممکن است جزو ابزارهای مضمونی متن هم باشد.

در مجموع یکی از اهداف و کارکردهای موتیف شناخت اندیشه حاکم در اثر است به ویژه زمانی که موتیف از ابزارهای مضمونی باشد. تکرار یک طرح‌واره در بخش‌های مختلف یک اثر در وضعیت‌های گوناگون و احياناً مشابه می‌تواند برای ایجاد و القاء اندیشه‌ای باشد و محتمل‌ترین کارکرد چنین تکراری اندیشه‌سازی است. زیرا بعید می‌نماید که نویسنده سازه‌ای تکرار کند اما این سازه در جهت تقویت و القای ایده اثر نباشد. «موتیف‌ها، سرنخ و یا نشانه‌هایی هستند که با تکرار آنها، مخاطب به اندیشه و درون‌مایه اثر پی‌می‌برد. هر کدام از این عناصر تکرار شونده متن (موتیف‌ها) دارای بخشی از درون‌مایه اصلی هستند و ردیابی این عناصر ما را به درون‌مایه اصلی داستان می‌رساند» (دهقان، ۱۳۸۸: ۱۰۳).

درون‌مایه رمان قعید را می‌توان این‌گونه بیان کرد: این رمان شوربختی و وضعیت غمبار خانواده‌ای فقیر را نشان می‌دهد که در اثر یک تصمیم اجباری یکی از فرزندان آن

بدون اخذ هیچ امتیازی قربانی ماجرا می‌شود. از این قضیه مضامینی نظیر بدبختی، سادگی، فقر، ظلم استنباط می‌گردد. قعید تلاش می‌کند مسبب فراهم شدن چنین مشکلاتی را از دو طرف بررسی کند اول تصمیمات ناعادلانه سیاسی که مردم هنوز در چنبره کدخدا و قدرتش گرفتارند و عدم اجراء تقسیمات ارضی سبب افزایش قدرت این فرد در محله و سودجویی او می‌شود. دوم فلاکت و ناآگاهی خانواده فقیر مصری از چگونگی رهانیدن خود از مشکلات و تسلیم زود هنگام آنها به تصمیم کدخدا بدون هیچ مقابله و مخالفتی. مسلماً افق ذهنی محدود آنها که در روستایی کوچک زندگی می‌کنند زمینه ایجاد چنین مشکلاتی شده است. رمان حاضر با استفاده از راوی‌های چندگانه دو موضع در مقابل جریان سیاسی مصر دارد. یک موضع مصر و انحلال سیستم تقسیم اراضی را نشانه ضعف و ناکارآمدی حکومت قلمداد می‌کند که براساس آن خانواده مصری به چنین فلاکتی دچار می‌گردد که راوی سوم "خفیر" بیانگر این ایده است. در موضع دیگر می‌بینیم که شوربختی مصری با دستان خویش است و مصداق ضرب المثل از ماست که برماست می‌باشد زیرا عدالت در جامعه موج می‌زند و مصری می‌توانست از حقوقش دفاع کند. موضع دوم را راوی چهارم دوست مصری و راوی ششم محقق اذعان دارند:

«ساحة المحاکم متسع للجميع والکل یعیش الآن فی أزهی العصور العدل التي عاشتها مصر» (قعید، ۱۹۹۶: ۹۲).

بنابر آنچه گفته شد بن‌مایه و اندیشه حاکم در رمان تشریح گردید حال باید به این قضیه که چگونه موتیف ارض در شناخت چنین نگره و اندیشه‌ای مؤثر و مفید است و چگونه می‌تواند یکی از راه‌های تقرّب و شناخت درون مایه باشد. لازم به ذکر است که درون مایه رمان وابسته به زمین است. شوربختی یک خانواده و قربانی شدن یک نفر در اثر یک ماجرا به یک عامل بستگی دارد: عدم تملک مقدار زیادی زمین تا با آن امرار معاش کنند از این رو برای بدست آوردن آن باید به کارهایی پردازد که این کارها سبب بدبختی آنها می‌شود:

«أتت حکایة التجنید، وقال العمدة لأبی ابنک مقابل بقاء الأرض معکم. قبل الوالد و فرح البیت کلّه بهذا الحل» (القعید، ۱۹۹۶: ۹۲).

در رمان قعید موتیف ارض در پی افاده مضمون وابستگی انسان ها به آن است که بدست آوردن آن مهمترین دغدغه زندگی آنها به حساب آید و از قداست و ارزش بالایی نزد آنها بهره‌مند است. از این رو قعید با نشان دادن این قضیه و تکرار آن عملکرد مصری را تحقق‌پذیر و قابل باور می‌داند و همچنان که تلاش‌های عمده برای بدست آوردن زمین دور از انتظار نیست. او همواره از اهمیت زمین در رمان خود سخن می‌گوید، زمینی که در قرن بیستم بر خلاف گذشته از ارزش بالایی برخوردار گردید و انسان‌ها بیش از همه به آن وابسته شدند. او زمین را به مثابه معشوقی دست نیافتی فرض نموده که وصالش آرزوی همه است و هجران و از دست دادنش باعث نابودی انسان می‌گردد. اینجاست که پدر عمده همچون دلدادگان عذری، حزام و جمیل و مجنون بخاطر از دست دادن زمین به مصیبت‌های ناگوار دچار می‌گردد:

«یوم نزع ملكية الأرض منّا، لم يتحمل والدي الموقف. أصيب بشلل، شل نصفه الأيمن كله. لم يقدر علی تحریک يده اليميني أو قدمه اليميني، حتی فمه لم يقدر علی تحریک سوي نصفه» (القعید، ۱۹۹۱م: ۱۸).

«روزی که مالکیت زمین از ما سلب شد، پدرم بیخود گشته و فلج شد. نیمه راست بدنش به کلی از کار افتاد به گونه‌ای که نمی‌توانست دست راست و پای راست خودش را تکان دهد. حتی دهانش؛ او فقط می‌توانست نصف دهانش را تکان دهد»

تفهیم و درک این حادثه تراژدیک که قعید می‌خواهد آن را بیان کند تا حدود زیادی به عنصر زمین وابسته است که به شکل موتیف وار در رمان گنجانده شده است. در مجموع مضمون فقر، سادگی، شوربختی و نظیر این واژگان و مفاهیم نزدیک به آن را توسط موتیف زمین نشان داده می‌شود و نویسنده با استفاده از چنین سازوکاری ایده مرکزی رمان خود را ارائه می‌دهد.

نتیجه‌گیری

آنچه از این پژوهش بدست آمد را می‌توان در موارد زیر بیان نمود:

۱. موتیف کارکرد مؤثر و سازنده‌ای در انتقال ویژگی‌های سبکی و مضامین و معانی اثر دارد. همچنین راهی برای ایجاد انسجام و وحدت اندام‌وار در اثر است.

۲. رمان الحرب فی بر مصر از یوسف قعید به طرز هنرمندانه‌ای از موتیف أرض بهره گرفته است و آن را برای دستیابی به اهداف و اعمال کارکردهای مهمی در اثر بکار می‌گیرد.

۳. یکی از مهم‌ترین کارکردهای موتیف أرض در رمان قعید، برقراری انسجام و وحدت اندام وار میان اجزاء و فصل‌های مختلف رمان است. رمان‌نویس توجه شایانی در وصل نمودن این اجزاء با استفاده از موتیف أرض نموده است و در آن تمامی فصل‌های رمان زنجیروار به هم متصل و متحد شده‌اند و این اتحاد مرهون تکرار نظام‌مند موتیف أرض در تمامی بخش‌های اثر است.

۴. موتیف أرض در تبیین سبک و درون‌مایه در رمان مزبور نقش مهمی دارد. نویسنده از شیوه مستقیم در شرح و تفسیر سبک و مضامین اثر خود پرهیز نموده بلکه با استفاده از سازوکار موتیف خواننده را به شناخت سبک و درون‌مایه رهنمون کرده است. در رمان حاضر موتیف أرض در ایجاد سبک رئالیسم و مضامینی نظیر فقر و تبعیض بکار گرفته شده است.

پی‌نوشت‌ها

۱- منظور از این سبک تکراری همان برخورداری رمان‌های رئالیستی از یک راوی همه چیز دادن که رمان خود را با استفاده از ساختار خطی نقطه آغاز، میانه و فرجام به پیش می‌برد و از مقدار مشخصی کشمکش و حل بهره می‌گیرد.

منابع و مأخذ

- اسلامی، مجید (۱۳۸۶ش)، مفاهیم نقد فیلم، تهران: نشر نی.
- دوجلاس، فدوی مالطی (۱۹۸۴م)، یوسف القعید والروایة الجديدة، مجلّة فصول، ع ۳، ج ۴، مجموعه الحدائة فی اللغة والأدب، صص: ۱۹۰-۲۰۲.
- پاینده، حسین (۱۳۹۴ش)، گشودن رمان، چاپ سوم، تهران: مروارید.
- دهقان، الهام، تقوی محمد (۱۳۹۰ش)، موتیف و گونه‌ها و کارکردهای آن در داستان‌های صادق هدایت، فصلنامه علمی پژوهشی نقد ادبی، س ۴، ش ۱۳ بهار، صص ۹۱-۱۱۵.

- زيتوني، لطيف (٢٠٠٢م)، معجم مصطلحات نقد الرواية، بيروت: دارالنهار للنشر. چاپ ١.
- الشوابكة، سميّة (٢٠١٣م)، الميثاقص تجريباً روائياً، قراءة في أعمال الروائي المصري يوسف القعيد؛ أرد: مجلة جامعة النجاح للأبحاث. مجلّة ٢٧ (٣)، صص: ٦٣٩-٦٦٧.
- عبدی، صلاح الدين؛ عباسی، نسرين (١٣٩٤ش)، «موتيف نهر در اشعار بدرشاكر سيّاب»؛ دو فصلنامه علمي پژوهشي نقد ادب معاصر عربي؛ سال پنجم، صص ٧٥-١٠٠.
- طه، متوكل (٢٠٠٠م)، حدائق ابراهيم، بيروت: المؤسسة العربية للدراسات والنشر.
- القعيد، يوسف (١٩٩١م)، الحرب في برّ مصر. چاپ پنجم، قاهرة: مكتبة مدبولي.
- گندمی كال، ناهيده (١٣٩٣ش)، ترجمه و نقد و بررسی داستان قطار الصعيد اثر يوسف القعيد؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد مرکزی تهران.
- هیکل، محمد حسین (١٣٩٢ش)، زينب، مصر: دارالمعارف.
- Oxford University. (1978). the Oxford English Dictionary. University press: Oxford.

دراسة موتيف الأرض في رواية الحرب في برّ مصر ليوسف قعيد

سيد اسماعيل حسيني أجداد^١

شهرام دلشاد^٢

الملخص

كلمة موتيف من أكثر الكلمات تداولاً في المجالات النقدية الحديثة وهو يطلق على تكرار متسق ومتجاوب لبعض التركيبات والكلمات في النص الأدبي. فهو يلعب دوراً فاعلاً في إيفاد المعاني وافرازها. دراسة الموتيف في النص الروائي تعد مفتاحاً لفهم فكرة الأثر واسلوبه كما هو طريقة استخدمها الروائيون ليخلق نظماً هارمونياً في الأثر. تقصد هذه الدراسة أن تدرس جماليات موتيف الأرض ووظائفه في رواية "الحرب في برّ مصر" ليوسف قعيد فهي من أشهر رواياته على الإطلاق. تنوى الدراسة أن تكشف الدلالات والخصائص الأسلوبية التي خلقت هذه التقنية في النص من خلال منهج الوصفي-التحليلي. وقد تبين من خلال هذه الدراسة أن الروائي وظّف هذه التقنية على شكل متناغم بسائر المكونات السردية خاصة الأفكار التي ينشرها الرواة في النص كما تساهم في تشكيل الأسلوب الروائي القعدي.

الكلمات الرئيسية: الموتيف، الأرض، يوسف القعيد، الحرب في برّ مصر، الوظيفة

١- أستاذ مشارك في فرع اللغة العربي وآدابها بجامعة بوعلی سینا

٢- خريج الدكتوراه في فرع اللغة العربية وآدابها بجامعة بوعلی سینا